

واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

فاطمه جوانبخت^۱

منصور پهلوان^۲

حسن طارمی راد^۳

سید ابراهیم حسینی^۴

چکیده

هدف: فکر و اندیشه یکی از مواهب الهی به بشر و حجت خداوند است که سبب رشد و سعادت بشر می‌شود. یکی از مبانی و اصول تعمیق ایمان دینی، تفکر و اندیشه‌ورزی در مسائل اعتقادی و احکام الهی است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر اندیشه‌ورزی بر ایمان دینی و چگونگی این رابطه بود. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله، کیفیت شرایط درست اندیشیدن از دیدگاه قرآن و رابطه خردورزی و تعمیق ایمان دینی بررسی و آیات مربوط به آن تحلیل شده است. **یافته‌ها:** از قرآن کریم بین اندیشه و تفکر و ایمان، ارتباط وثیقی برداشت می‌شود. آیاتی که درباره تفکر است، منجر به باورهای ایمانی شده و دسته‌ای دیگر از آیات سبب تعمیق در اعمال ایمانی می‌شود. **نتیجه‌گیری:** تفکر و تعقل در مبانی دینی و ایمانی مانند توحید، معاد، نبوت، هدفمندی خلقت، احکام و اخلاق، با اسلوبهای خاصی در قرآن بیان شده است.

واژگان کلیدی: تعمیق ایمان دینی، خردمندان، تفکر، تعقل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◇ دریافت مقاله: ۹۶/۰۳/۲۰؛ تصویب نهایی ۹۷/۰۳/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری پژوهشکده نهج البلاغه؛ هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) / نشانی: شیراز؛

بلوار فرصت شیرازی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر / نامبر: ۰۷۱۳۷۲۱۹۵۳۵ / Email fatemeh۳۶@yahoo.com

۲. دکتری الهیات و معارف اسلامی، استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشیار دانشنامه جهان اسلام (بنیاد دائرة المعارف جهان اسلام).

۴. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، ایران.

الف) مقدمه

اندیشیدن از اهداف اصلی آموزش دین، اعتقادات دینی و ایمانی است. در آیات و روایات زیادی به تبیین جایگاه خرد و خردورزی در ایمان دینی پرداخته شده است. اسلام دینی عقلانی است و همواره پیروان و حتی مخالفان خود را به تفکر و اندیشه دعوت می‌کند. یکی از عوامل اساسی و مهم در تعمیق ایمان دینی، تفکر و اندیشه صحیح در مبانی و اهداف زندگی، مسائل اعتقادی، اخلاقی و احکام است. «ایمان به اعتقاد، اخلاق و عمل وابسته است. همه انسانها موظفند این سه رکن اصیل را تحصیل کنند» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۱۶). فیض کاشانی در اهمیت فکر و اندیشه می‌گوید: «هنگامی که علم در قلب آید، در آن تغییر ایجاد می‌کند و تغییر آن، موجب تغییر اعمال و اعضا و جوارح می‌شود. پس عمل، تابع حال است و حال، تابع علم و علم، تابع فکر و اندیشه در اینجا مبدا و کلید برای خیرات و نیکی‌هاست» (فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۴۲). اساس و ریشه انتخاب زندگی سعادت‌مندانه، یکی از عالی‌ترین عوامل کسب کمال، رشد و بهره‌مندی صحیح از زندگی انسان است که به نوع تفکر و اندیشه او ارتباط دارد. دین اسلام در مباحث اعتقادی، اصل را بر تفکر و اندیشه گذاشته و تقلید و پیروی کورکورانه را به شدت مذمت کرده است. در مباحث اخلاقی نیز یکی از راههای مهم تشخیص حسن و قبح عمل، عقل است و در احکام علاوه بر اینکه عقل یکی از منابع فقه قلمداد شده است، می‌تواند علت و حکمت بعضی احکام را برداشت کند. بنابر این، عقل در جایگزین شدن ایمان دینی در قلب، رشد و به کمال رسیدن این اعتقاد و تعمیق آن بسیار مؤثر است.

ب) بیان مسئله

باور قلبی و ایمان به خدا در دین اسلام، به تمام زوایای زندگی مؤمن معنا می‌دهد؛ از طرفی، آیات بیان‌کننده رابطه بین اندیشه‌ورزی و ایمان و آثار اندیشه‌ورزی بر مراتب و تعمیق ایمان، قابل تأمل‌اند. با توجه به اهمیت دقت در آیات قرآن کریم و جایگاه خردورزی در تعمیق ایمان، این نوشتار در صدد است به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. چرا قرآن در حد بالایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم دعوت به تفکر و اندیشیدن کرده است؟
۲. چه رابطه‌ای بین خردورزی و تعمیق ایمان دینی وجود دارد؟

ج) پیشینه پژوهش

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، رابطه عارفانه بین بنده و خداوند و اثرات این رابطه را در کاهش گناه و رهایی از تنهایی بررسی کرده‌اند. خسروپناه و همکاران (۱۳۹۲) طی مقاله‌ای، آثار امام خمینی (ره)

۲۲۹ واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

درباره علم و ایمان و کیفیت تعامل میان آنها را بررسی کرده‌اند. خادمی و همکاران (۱۳۹۱) به نظریه ملاصدرا و رابطه عقل نظری با ایمان قلبی و نظریه کرگگور که (بر اساس عقیده مسیحیت) بین تفکر عقلانی و ایمان رابطه‌ای وجود ندارد، پرداخته است. قاسم‌پور دهقان (۱۳۸۸) نیز موضوعاتی همچون: مفهوم اندیشه و منابع و فواید و موانع آن را بر اساس آیات و روایات در مقاله خود بررسی کرده است.

در آثار مذکور، مباحث مربوط به ایمان دینی و تعمیق آن از جنبه معنایی، تفاوت تفکر عقلانی در ایمان در اسلام و مکاتب دیگر و بعضی تأثیرات ایمان بررسی شده‌اند. اما در این مقاله، سعی بر این است که رابطه و تأثیر تعمیق ایمان دینی در جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام، از منظر تفکر و تعقل بررسی شود. اهمیت این پژوهش را می‌توان در لزوم خردورزی در مباحث ایمانی در تمام سطوح، از اعتقادات و عمل صالح در آموزه‌های قرآنی دانست. بعضی افراد در مسائل ایمانی دچار افراط یا تفریط می‌شوند یا برخی فقط از روی عادت یا تقلید، بدون اندیشه به امور دینی عمل می‌کنند و برخی دیگر صرف تعقل و تفکر در مسائل ایمانی را کافی دانسته، در انجام تکالیف کوتاهی می‌کنند؛ در صورتی که فرض بر این است که اندیشه‌ورزی باید منجر به تعمیق ایمان در قلب و عمل شود.

د. روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی بوده، روش آن توصیفی-تحلیلی است. طبق این شیوه، ابتدا آیات قرآن کریم در ارتباط با موضوع پژوهش، بررسی و مطالب مرتبط در فیشهای جداگانه دسته‌بندی شده و بر اساس نقش تفکر در مسائل اعتقادی و رفتاری بررسی شد.

هـ) یافته‌ها

۱. اهمیت تفکر و تعقل در قرآن

اهمیت تفکر در اسلام به قدری است که نمی‌توان بالاتر از آن را تصور کرد و اساس ایمان و اعتقادات دینی و مذهبی، تفکر و اندیشه صحیح است. اگر کتاب الهی را به طور کامل تفحص کرده و در آیاتش دقت شود، بیش از ۳۰۰ آیه وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده یا به پیامبر(ص) استدلالی را برای اثبات حقی یا از بین بردن باطلی آموخته است. خداوند در قرآن حتی در یک آیه، به بندگان خود امر نفرموده که نفهمیده به خدا یا هر چیزی که از جانب اوست، ایمان آورند یا راهی را کورکورانه بپیمایند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۵۶-۲۵۴). قرآن کریم هر چند که بشر را به اطاعت مطلقه و بی‌چون و چرای خدا و رسول دعوت می‌کند، الا اینکه به این هم رضایت نمی‌دهد که مردم احکام و معارف قرآنی را

۲۳۰. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۷۵

با جمود محض و تقلید کورکورانه و بدون هیچ تفکر و تعقلی پذیرند، بلکه باید فکر و عقل خود را به کار بگیرند تا در هر مسئله، حقیقت امر کشف شود و با نور عقل، راهشان در این سیر و سلوک روشن شود (همان، ج ۲: ۲۹۵). قرآن کریم انسانهایی که عقل و خرد را به کار نمی‌گیرند، در زمرهٔ چهارپایان قرار می‌دهد: «بدترین جنینگان نزد خدا، افراد کر و لالی‌اند که اندیشه نمی‌کنند» (انفال: ۲۲). یا: کسانی که از قلب و چشم و گوش، که وسیلهٔ فهم و درک‌اند، استفاده نکنند؛ در حد چهارپایان، بلکه پست‌تر تشبیه شده و وعده‌گاه آنان جهنم است (اعراف: ۱۷۹)؛ مهر خوردن بر قلب و عدم درک صحیح از ویژگی‌های آنان است (توبه: ۸۷)؛ همچنین محروم شدن از درک صحیح آیات الهی و عدم قدرت تحلیل و تفکر. (انعام: ۲۵؛ اسراء: ۴۶؛ کهف: ۵۷؛ صافات: ۵)

هیچ تردیدی نداریم در اینکه حیات انسانی، حیاتی است فکری، نه چون حیوانات غریزی و طبیعی. زندگی بشر سامان نمی‌گیرد مگر به وسیلهٔ ادراک که ما آن را فکر می‌نامیم و از لوازم فکری بودن زندگی بشر، یکی این است که هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد، به اجبار زندگی انسانی استوارتر خواهد بود. پس زندگی استوار، حال به هر سنتی که باشد و در هر طریقی که افتاده باشد، طریقی سابقه‌دار، یا بی سابقه، ارتباط کامل با فکر استوار دارد و زندگی استوار، مبتنی و مشروط به داشتن فکر استوار است. هر قدر استواری فکر بیشتر باشد، استواری زندگی بیشتر و هر قدر آن کمتر باشد، این نیز کمتر خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۱۴)

خداوند در قرآن کریم به طرق مختلف و اسلوبهای متنوع به اهمیت تفکر و تعقل اشاره و بشر را به فکر صحیح دعوت کرده و طریقهٔ صحیح علم را ترویج کرده است (همان)؛ از جمله فرموده است: «آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نشود؟» (انعام: ۱۲۲). از این آیه شریفه می‌توان رابطهٔ فکر صحیح و سالم با ایمان را که همان نور است، فهمید که در نهایت، منجر به قرار گرفتن در مسیر کامل و سعادت‌مندانه می‌شود.

۲. شرایط درست اندیشیدن از دیدگاه قرآن

تفکر صحیح ویژگی‌هایی دارد که در قرآن ذکر شده است. از شرایط اندیشهٔ صحیح و سالم، همراه بودن تعقل با تقوا و پرهیز از گناه و عدم پیروی از هوای نفس است. «قرآن به مردم اجازه نمی‌دهد که بدون رعایت دائمی تقوا و ترس از خدای سبحان به تفکر پردازند و این کار را خطرناک و بی‌فایده می‌داند» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۴۱). از جمله ویژگی‌های خردمندان، رعایت تقواست: «... که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من پرهیزید ای خردمندان!» (بقره: ۱۹۷)؛ یعنی شما بدان جهت که صاحب خرد هستید، در به کار بستن عقل و خردتان نیازمند تقوا می‌باشید.

از دیگر شرایط درست اندیشیدن، مطابقت آن با فطرت پاک انسانی است. «مراد از عقل در کلام خدای تعالی، آن ادراکی است که با سلامت فطرت برای انسان دست دهد و اینجاست که معنای جملهٔ «این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید!» (بقره: ۲۴۲) است» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲:

۲۳۱ ♦ واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

۳۷۶. در آیات: «و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند» (آل عمران: ۷)؛ «تنها کسانی متذکر این حقایق می‌شوند که به سوی خدا باز می‌گردند» (غافر: ۱۳)؛ «و ما دلها و چشمهای آنها را واژگونه می‌سازیم (آری آنها ایمان نمی‌آورند) همان‌گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند!» (انعام: ۱۱۰) و: «جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم (با آن پاکی و درخشندگی) روی گردان خواهد شد؟!» (بقره: ۱۳۰)؛ یعنی کسی مقتضیات فطرت را ترک نمی‌کند، مگر وقتی که عقلش را تباه کرده و راهی غیر از راه عقل را پیش گرفته باشد. بنابر این، درک عقلی وقتی حاصل می‌شود که عقل به سلامتی خود باقی مانده باشد و آن تا زمانی است که تقوای دینی و دین فطری‌اش را از دست نداده باشد. خدای عزّ و جلّ عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود و به وسیله آن، راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالحه پیدا کرده و پیش بگیرد. پس اگر عقل انسان در چنین مجرای قرار نگیرد و قلمرو علمش به چهار دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود شود، دیگر عقل نامیده نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۷۵)

دانش و اطلاعات نیز از شرایط درست اندیشیدن است؛ در آیات ۲۶۹ بقره، ۷ آل عمران، ۱۹ رعد، ۲۹ ص، ۹ و ۱۸ زمر، رابطه بین علم و دانش با خردورزی و تشخیص درست در مسائل ایمانی بیان شده است.

از شرایط دیگر درست اندیشیدن، دوری از هواپرستی است. کسی که هوای نفس خود را مرجع و معبود قرار دهد، از تفکر سالم و صحیح محروم می‌شود. در قرآن کریم می‌فرماید: «آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟!» (جاثیه: ۲۳). در جای دیگر، پیروان هوای نفس علاوه بر محروم بودن از درک صحیح، حتی در حد چهار پایان تنزل پیدا کرده‌اند: «آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌ترند». (فرقان: ۴۴)

کفر، نفاق و تقلید کورکورانه، از موانع خردورزی و اندیشه سالم است. نتیجه کفر، مهر خوردن بر دلها و حتی حواس ظاهری و محرومیت از درک واقعی است: «خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده و بر چشمهایشان پرده‌ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست» (بقره: ۷). داشتن رفتارهای منافقانه نیز از علائم جاهلان است: «و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده) می‌گویند: چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!» (بقره: ۷۶)

بین عدم تعقل با عدم امکان ایمان آوردن و قرار داده شدن رجس و پلیدی بر کسانی که اهل تعقل نیستند، رابطه مستقیم وجود دارد: «(اما) هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند» (بونس: ۱۰۰). همچنین بین تکذیب آیات الهی و محروم شدن از قدرت درک و فهم صحیح رابطه وجود دارد: «آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی‌اند که در تاریکی‌ها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد) گمراه می‌کند و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرار خواهد داد» (انعام: ۳۹).

۳. نقش تفکر و تعقل در ابعاد ایمان

یک) رابطه اندیشه‌ورزی با مسائل اعتقادی

از نظر اسلام، ایمان دینی مبتنی بر عقل و فکر است. یکی از امور مهم و اساسی در عمق‌بخشی ایمان در مبانی و اصول اعتقادی، تفکر صحیح و سالم است. از نظر متکلمان، بهترین راه برای حصول اطمینان و یقین، تفکر صحیح و اندیشه سالم است که سبب عمق پیدا کردن اعتقادات دینی و توانایی فکری در برابر شبهات و عقاید خرافی است.

ایمان به معارف الهیه و اصول عقاید حقه صورت نگیرد مگر به آنکه آن حقایق را به قدم تفکر و ریاضت عقلی و آیات و بینات و براهین عقلیه ادراک کند و این مرحله به منزله مقدمه ایمان است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۸۹). حقیقت توحید، که اصل اصول معارف است و اکثر فروع ایمانیه و معارف الهیه و اوصاف کامله روحیه و صفات نورانیه قلبیه از آن منشعب شود، تا در ادراک عقلی است، هیچ یک از این فروع بر آن مرتب نشود و انسان را به هیچ یک از آن حقایق نرساند (همان) و مسلماً تفکر صحیح و سالم باید منجر به عمل و تغییر رفتار شود.

برترین تفکر، در توحید و مراتب آن است؛ امام صادق (ع) فرموده‌اند: «أفضل العبادة إيمان التفکر فی الله و فی قدرته» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵). نتیجه تفکر در حق و اسماء و صفات و کمالات پروردگار، علم به وجود حق و انواع تجلیات است و از آن، علم به اعیان و مظاهر رخ دهد (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۹۱). مؤمن کسی است که بعد از ادراک عقلی ذات باری تعالی، قلبش عمیقاً وجود حق را دریافته باشد و در تمام ابعاد زندگی‌اش مؤثر واقع شود و عمق داشته باشد.

اغلب آیات توحید درباره اثبات توحید نظری است. «نظام جهان آفرینش، روشن‌ترین و همگانی‌ترین برهان خداشناسی است. قرآن مجید و پیشوایان بزرگ اسلام با بیانات مؤکدی، مردم را به مطالعه کتاب آفرینش دعوت کرده‌اند؛ کتابی که سراسر صفحات و سطور آن گواه روشنی بر نظم و ترتیب، محاسبه و اندازه‌گیری و دخالت علم و حکمت در آفرینش آن است. حتی به این دعوت کلی اکتفا نکرده، با بیان نمونه‌هایی از نظام حیرت‌انگیز این جهان، راه مطالعه و بررسی را به روی عموم گشوده‌اند» (سبحانی، ۱۳۷۱: ۶۰).

۲۳۳ ♦ واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

در قرآن کریم به اهمیت تدبّر و تفکر در جهان آفرینش که منجر به بینش عمیق نسبت به آفریدگار جهان می‌شود، تأکید شده است (نحل: ۱۱، ۱۲، ۶۷، ۶۹؛ روم: ۲۱، ۲۴؛ جاثیه: ۵، ۱۳؛ رعد: ۳، ۴؛ عنکبوت: ۳۵). آیاتی که راجع به مبده و معاد است با تعبیراتی نظیر «لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» و «يُفْقَهُونَ» بیان شده است که دلالت بر لزوم به کارگیری عقل و اندیشه در این اصول اعتقادی است.

در بحث توحید عبادی، شریک قرار ندادن برای خداوند در عبادات، از ویژگی‌های عاقلان و متفکران بیان شده است: «خداوند مثالی از خودتان برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده‌ای داشته باشید) این برده‌های شما هرگز در روزی‌هایی که به شما داده‌ایم، شریک شما می‌باشند؟ آن‌چنان که هر دو مساوی بوده و از تصرف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن‌گونه که در باره شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم» (روم: ۲۸). نمونه دیگر دعوت به تفکر و اندیشه در تمثیلی که خداوند می‌آورد برای اینکه خلوص در اعمال برای انسان متفکر، قابل فهم شود: «آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه‌ای وجود داشته باشد؛ در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور شود و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاق‌های خود را با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)!» (بقره: ۲۶۶). کسانی که برای خدا شریک قرار می‌دهند، به نداشتن فکر و اندیشه مذمت شده‌اند: «اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟» (انبیاء: ۶۷)

یکی دیگر از مبانی فکری و اعتقادی مؤثر در ایجاد باور قلبی و تعمیق ایمان دینی، تبعیت از پیامبران و تعقل و تفکر در وحی و نبوت است. مهم‌ترین تأثیر وحی و نبوت در زندگی فردی و اجتماعی بشریت، تحول در اندیشیدن و ایجاد نظام تربیتی است. سراسر قرآن که برنامه سرنوشت‌ساز تمدن کهن و فرهنگ اصیل بشریت را رقم زده، یادآور خردورزی و عقلانیت است. از این رو، انتظار اسلام و قرآن از جهان انسانیت، ارتقا و تعالی به سوی جهان عقل و خردورزی و عقلانیت است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). عدم توجه به دستورات پیامبران و اندیشه نکردن، از اسباب شقاوت و بدبختی ابدی بیان شده است: «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (ملک: ۱۰). یکی از علل عدم تبعیت از انبیا، تقلید و تبعیت کورکورانه از آبا و اجداد بیان شده که نتیجه عدم تفکر و تعقل است: «و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید! می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟!» (بقره: ۱۷۰)

۲۳۴ ◆ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۷۵

از نمونه‌های خردورزی در اصول و مبانی، دعوت به تفکر در قرآن کریم است. اندیشیدن در جنبهٔ وحیانی، اعجاز لفظی و معنوی و از جنبهٔ دیگر، اساس دستورات اسلام در ساحت‌های مختلف آیات نورانی قرآن است که در آیات مختلف (انفال: ۴۲؛ یوسف: ۲؛ زخرف: ۳۳؛ انبیاء: ۱۰؛ حشر: ۲۱؛ نساء: ۸۲) به تفکر و تعقل در آیات الهی تأکید شده است.

یکی از مسائل اعتقادی بیان‌شده در قرآن کریم، مسئلهٔ معاد است که مهم‌ترین راه اثبات آن نیز از راه عقل است. در تعدادی از آیات قرآن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دربارهٔ وجوب و امکان معاد به تفکر و تعقل دعوت شده است؛ از جمله: دعوت به تفکر در خلقت اولیه و ثانویه و عدم استبعاد مرگ و معاد (غافر: ۶۷) و تفکر در مرگ و توفی (زمر: ۴۲).

یکی دیگر از مباحث بنیادی در تعمیق ایمان دینی، شناخت دنیا و حقیقت آن، هدف آفرینش و درک صحیح از آخرت است که در قرآن کریم، انسانها را به تفکر در آن فرا می‌خواند (آل عمران: ۱۹۱-۱۹۰؛ روم: ۸). از یک سو، توجه و اندیشه در حقیقت دنیا از ویژگی‌های متفکران است؛ مانند تفکر در ناپایداری و عدم ثبات زندگی دنیا (یونس: ۲۴) و از سوی دیگر، کسانی که در عدم پایداری دنیا و زینتهای آن و ماندگاری آخرت تفکر نمی‌کنند، مذمت می‌شوند (انعام: ۳۲) یا نتیجهٔ اندیشه و تفکر در عوارض ناگوار و مشکلات گوناگون نعمتهای مادی را بیان می‌کند (قصص: ۶۰).

بنابر این، فکر و اندیشه از مبادی اعتقاد به توحید، معاد و نبوت، از ملزومات شناخت قرآن کریم و از اصول باور به هدفمندی جهان آفرینش است.

دو) تفکر در احکام و اخلاق

یکی از موضوعات مهم بحث تفکر و تعقل، ارتباط عقل با احکام فقهی است که در تعمیق ایمان دینی بسیار مؤثر است؛ قرآن کریم در بیان علل احکام شرعی، بارها انسانها را به اندیشیدن در فلسفه و علت آنها توصیه فرموده است. خدای تعالی در هیچ جا از کتاب مجیدش، حتی در یک آیه از آن، بندگان خود را مأمور نکرده به اینکه او را کورکورانه بندگان کنند یا به یکی از معارف الهی اش ایمانی کورکورانه بیاورند یا طریقه‌ای را کورکورانه سلوک کنند؛ حتی شریعی را هم که تشریح کرده و بندگان را مأمور به انجام آن کرده، با اینکه عقل بندگان قادر بر تشخیص ملاکهای آن شرایع نیست، مع ذلک آن شرایع را به داشتن آثاری تعلیل کرده (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۱۶). یکی دیگر از احکام اعمال این است که حسنات، چه اقوال و چه افعال، مطابق حکم عقل است، به خلاف سیئات که چه اقوالش و چه افعالش بر خلاف عقلند، و ... خدای سبحان اساس تمامی آنچه را که برای بشر بیان کرده، عقل قرار داده (البته منظور ما از عقل، همان نیرویی است که به وسیلهٔ آن انسان حق را از باطل و خوب را از بد تمیز می‌دهد). به همین سبب است که مردم را به پیروی از عقل سفارش کرده و از چیزی که سلامت و حکمرانی آن را مختل می‌سازد، نهی فرموده؛ مانند

۲۳۵ ◊ واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

شراب و قمار و لهو و غش، غرر در معاملات و نیز از دروغ و افترا و بهتان و خیانت و ترور و هر عملی که سلامت عقل در حکمرانی را مختل می‌سازد، نهی فرموده؛ چون همه این کارها عقل انسان را در مرحله عمل دچار خبط می‌کند و این را هم می‌دانیم که اساس حیات بشر در همه شئون فردی و اجتماعی اش بر سلامت ادراک و صحت فکر و اندیشه است (همان: ۴۱۸). نیکی به پدر و مادر، فرزندآوری و مراقبت از آن، دوری از فواحش و قتل، از مواردی است که عقل به تنهایی حسن و قبح و حکمت آن را می‌تواند تشخیص دهد. (انعام: ۱۵۱)

در بعضی آیات به تفکر و تعقل در حکمت احکام توصیه شده است؛ از جمله: دعوت به تفکر و اندیشیدن درباره امر به معروف و نهی از منکر (بقره: ۴۴)؛ حرمت یا حرمت گوشت بعضی حیوانات (مانده: ۱۰۳)؛ تعقل و تفکر در احکام مربوط به طلاق (بقره: ۲۴۲)؛ توصیه به تفکر درباره حرمت شراب و قمار (بقره: ۲۱۹)؛ تفکر در مورد حکمت قصاص (بقره: ۱۷۹)؛ حج و احکام مربوط به آن (بقره: ۱۹۷).

یا کسانی که به احکام الهی بی توجه‌اند یا آن را رعایت نمی‌کنند، جزء کم‌خردان و نادانان محسوب شده‌اند؛ از جمله: عدم توجه به نماز جماعت (مانده: ۵۸) و بی‌احترامی به پیامبر (حجرات: ۴).

۴. رابطه خردورزی و تعمیق ایمان دینی

صاحبان خرد و فرهیختگان ایمانی در قرآن به عنوان «اولوالالباب» ذکر شده‌اند. ویژگی‌های آنان در قرآن کریم بیانگر ایمان ثابت و عمیق است و نشان از روحیه حقیقت‌جویی، قدرت تجزیه و تحلیل، دوری از خرافه، پایبندی به اخلاقیات و عمل به احکام الهی دارد. از دیدگاه قرآن، خردمند کسی است که در تمام امور دینی دارای قدرت تحلیل و اندیشه ژرف باشد. در آیات شریفه ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران و آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره رعد، ویژگی‌های خردمندان و تأثیر اندیشه‌ورزی در تمام مراحل ایمانی بیان شده است.

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَّا رَبَّنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران: ۱۹۴-۱۹۰). در این آیات از جمله ویژگی‌های خردمندان، اندیشه‌ورزی در مبانی و اصول اعتقادی، همچون تفکر در آفرینش، همراه با تحلیل است که منجر به خداباوری و خداشناسی می‌شود: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ». داشتن روحیه عبودیت در تمام اوقات نیز از ویژگی‌های خردمندان بیان شده است: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ». ایمان و باور عمیق به معاد: «سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»، اعتقاد به هدفمندی جهان آفرینش: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا

باطلاً»، ایمان و یقین قلبی به نبوت و پذیرش تمام دستورات الهی: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا... وَآتَيْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ»، اعتقاد به معاد و وعده‌های الهی در این زمینه: «وَتَوْفَّقْنَا مَعَ الْآبَرَارِ رَبَّنَا وَآتَيْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، از نمونه‌های بارز تعمیق ایمان دینی است که نتیجه اندیشه‌ورزی است.

در این آیات خداباوری و عبادت خالصانه، باور قلبی و عمیق به معاد و نبوت، هدفمند دانستن آفرینش و داشتن روحیه خضوع و تواضع در برابر پروردگار که بیانگر عمیق بودن ایمان و باور قلبی است، از نشانه‌های اندیشمندان بیان شده است.

در سوره مبارکه رعد نیز ویژگی‌هایی برای خردمندان ذکر شده است: «مَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ؛ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهَا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ؛ جَنَاتٌ عِدْنَ يُدْخَلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». (رعد: ۲۴-۱۹)

اولین ویژگی خردمندان در این آیات، روحیه حقیقت‌جویی، بصیرت و آگاهی است: «مَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ». اندیشمندان قرآنی به عهد و میثاقی که به وسیله پیامبران الهی، به دستور خدای سبحان از بشر گرفته شده پایبندند: «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ». بر هر صله‌ای که خدا به آن امر فرموده که از معروف‌ترین مصادیق آن صله رحم است، پایبندند: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ». دارای مقام خشیت و خوف می‌باشند و همچنین ایمان و باور عمیق به معاد و حسابرسی در آن روز دارند: «وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ». «ظاهراً فرق میان خشیت و خوف این است که خشیت به معنای تأثر قلب از اقبال و روی آوردن شر یا نظیر آن است و خوف به معنای تأثر عملی انسان است به اینکه از ترس در مقام اقدام برآمده و وسایل گریز از شر و محذور را هم فراهم سازد، هر چند که در دل متأثر نگشته، دچار هراس نشده باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۶۹)

یکی از ویژگی‌های خردورزان در جنبه عملی، صبر در امور زندگی است؛ چه صبر در آسایش، گرفتاری و مصیبت، صبر در طاعت و ترک معصیت؛ صبری که مزین به اخلاص و توحید است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ؛ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». آنان در مقام عمل به احکام الهی از اقامه کنندگان نمازند: «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ». در انجام اعمال صالح، در هر حال از روزی خود انفاق می‌کنند: «وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» و اگر در انجام اعمال صالح، کوتاهی از آنان سر بزند یا مرتکب گناهی شوند، با نیکی همسان آن یا برتر از آن جبران می‌کنند: «وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ».

۲۳۷ ◊ واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن

با توجه به این دسته از آیات؛ انسان خردمند، انسانی با درک و بصیرت ایمانی، معتقد به پیامبران الهی و فرمانبردار از آنها، عامل به دستورات الهی و دارای مقامات بالای اخلاقی است.

(و) بحث و نتیجه گیری

تعمیق ایمان دینی یکی از مباحث مهم در باورها، اعمال و اخلاق انسان دین‌باور است و یکی از مهم‌ترین راههای وصول به آن، استفاده از عقل و تفکر است. در آیات و روایات به اندیشیدن در امور دینی و معنوی تأکید بسیار زیادی شده است.

عقل، قوه تمییز حق از باطل، حقیقت‌جویی، تجزیه و تحلیل، سبب دوری از خرافه، تأثیرگذار در اخلاقیات و عمل صالح و در یک کلام، سبب تعمیق ایمان دینی می‌شود.

قرآن کریم به صورت مستقیم و غیر مستقیم انسان را وادار به تفکر و اندیشیدن در تمام جوانب ایمانی کند و مهارت‌های اندیشیدن را به او آموزش می‌دهد و سبب رسیدن به رشد و سعادت و بهره‌مندی صحیح از زندگی است.

تفکر و تعقل در مسائل اعتقادی، ضروری و لازم است و از تبعیت کورکورانه به شدت نهی شده است. مهم‌ترین اصل در اعتقاد به توحید، معاد و نبوت در قرآن کریم، بر اساس خردورزی و تعقل است.

در جنبه عمل به احکام و اخلاق نیز به اندیشه‌ورزی بسیار اهمیت داده شده و به لزوم خردورزی در اصل عمل و حکمت آن اشاره شده است.

در قرآن کریم، خردمند کسی است که در تمام جوانب و مراتب ایمان، عقل را به عنوان یکی از حجت‌های خداوند به کار گیرد. پس ابتدا لازم است تفکر، همراه با علم و دانش، تقوا و مطابقت با فرامین الهی باشد و در یک کلام، از مجرای فطرت پاک انسانی خارج نشود. چنین اندیشه پاک، از حجت‌های خداوند بر انسان و رسول باطنی ذات الهی است و سبب استقرار ایمان در دل انسان و رشد و تعالی روز به روز آن می‌شود.

نخبگان قرآنی یا اولوالالباب به اوصافی مانند ایمان عمیق در اعتقادات، عمل به فضایل اخلاقی و پابندی به دستورات دین توصیف شده‌اند، که بیانگر الگوهای فکری و عقلی برای تمام مؤمنین است.

پیشنهادها

- آگاهی بخشی نقش و اهمیت خردورزی در تعمیق ایمان دینی؛
- مقایسه اندیشه‌ورزی در مباحث دینی با متابعت از دستورات دین بدون به کارگیری عقل و فکر؛
- طراحی آثار خردورزی در جنبه‌های مختلف ایمانی به طور مستقل؛
- برنامه‌ریزی برای رسیدن جامعه ایمانی به خردورزی در باورها و عمل؛
- تأکید بر تقویت تفکر صحیح و ارائه راهکارهای فکری و عملی برای ایجاد شرایط درست اندیشیدن.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۹). قم: مؤسسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). الرسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸). جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). مراحل اخلاق در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). وحی و نبوت در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسین‌زاده، اکرم و همکاران (۱۳۹۲). «نقش تفسیر انفسی قرآن کریم در تعمیق ایمان دینی با تگاهی بر آرای حسن‌زاده آملی و جوادی آملی». آموزه‌های تربیتی قرآن و حدیث، سال دوم، ش ۳.
- خادمی، مهدی و همکاران (۱۳۹۱). «رابطه بین عقل و ایمان از منظر ملاصدرا و کرکگور». جستارهای فلسفه دین، ش ۱.
- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۲). «علم و ایمان به عقاید دینی و رابطه آن دو از منظر امام خمینی». آیین حکمت، سال پنجم، ش ۱۷.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۲). الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۷۹). راه روشن. مشهد: آستان قدس رضوی- بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- قاسم‌پور دهاقانی، علی (۱۳۸۸). «جایگاه اندیشه و اندیشیدن در نظام تربیتی اسلام». تربیت اسلامی، ش ۹.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷ ق). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- **The Holy Quran**. Trans. By: Naser Makarem Shirazi (۲۰۱۰). Qom: Moassese Imam Ali Ibn Abi Talib (AS).
- Feyz Kashani, Mohammed Shah Mirtaza (۹۷۷۹). “**The Clear Way**”. Mashad, Astan Qods Razavi_ Islamic Research Foundation.
- Hossein Zadeh, Akram & Others (۲۰۱۳). “**The Role of Interpreting the Holy Quran on Deepening Religious Faith by Looking At the Views of Hasan Zadeh Amoli and Javadi Amoli**”. *Quarterly Amouzehaye Tarbiyati Quran and Hadith*, the Second year, No. ۳.
- Imam Khomeini, Seyyed Roohollah (۱۹۹۷). **Al-Rasael**. Qom: Moasses Ismailian.
- Imam Khomeini, Seyyed Roohollah (۲۰۰۹). **Reason of Wisdom**. Tehran: Moassese Tanzim Va Nashr Asar Imam Khomeini.
- Javadi Amoli, Abdollah (۲۰۰۰). **The Process of Ethics in the Holy Quran**. Qom: Markaz Nashr Esra.

- Javadi Amoli, Abdollah (۲۰۱۴). **Revelation and Prophecy in the Holy Quran**. Qom: Markaz Nashr Esra.
- Khademi, Mahdi & Others (۲۰۱۲). “**The Relationship between Reason and Faith from the Perspective of Mulla Sadra and Kirkkvador**”. *The Quarterly Jostarhaye Falsafe din*, No. ۱.
- Khosro Panah, Abdulhossein & the Others (۲۰۱۳). “**The Science and the Faith to Religion and Its Relationship at the View of Imam Khomeini**”. *Fasl Nameh Ayin Hekmat*, fifth year, No. ۱۷.
- Koleyni, Mohamad (۱۴۰۷). **AL-Kafi**. Rewriter: Ali Akbar Qafari. Tehran: Dar alkitab Aleslamiyah.
- Qasem Pour Dehaqani, Ali (۲۰۰۹). “**The Position of Thinking and Thinking in the Educational System of Islam**”. *Semi-Quarterly Tarbiat Eslami*, No. ۱۹.
- Sobhani, Ja'far (۱۳۹۲). “**Theology and Islamic knowledge**”. Qom, Institute of Imam Sadiq (AS).
- Tabatabaee, Mohamad Hossein (۱۹۹۹). **Almizan fi Tafsir Quran**. Qom: Ismailian.